



## متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان شوراهای اسلامی شهر و بخش سراسر کشور - 4 خرداد / 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که از اطراف و اکناف این سرزمین اسلامی مقدّس، به این جا تشریف آوردید و این اجتماع صمیمی و پُرشور را فراهم کردید، خوشامد عرض می‌کنم. خدمت به مردم افتخار بزرگی است. وقتی کسی این فرصت را پیدا می‌کند که به مردم خدمت کند، اولاً باید خدا را بر این توفیق و بر این فرصت مغتنم، شکر بگذارد؛ ثانیاً وقت خود را، مصروف به انجام رساندن این کار مهم کند. همه‌ی ما در احکام شرعی و در روایات اخلاقی، بارها توصیه شده‌ایم و می‌دانیم که اگر کسی برای مردم کاری انجام دهد و قدمی بردارد، چقدر خدای متعال به او اجر خواهد داد. این کاری هم که امروز شما بر عهده دارید، يك مصداق کامل از چیزی است که در آن روایات هست. خدا توفیق را به همه نمی‌دهد؛ اما آن کسی که توفیق خدمت پیدا کرد، باید این توفیق الهی را شکرگزاری کند.

عمده‌ی مشکلات ملتها - در هر جایی که ملتها رنجی برده‌اند - به خاطر این بوده که مسؤولان دلسوزی که هم‌متشان فقط برطرف کردن مشکلات مردم باشد، در میان آنها یا نبوده‌اند و یا کم بوده‌اند. کسانی از شما که دوره‌ی جوانی را پشت سر گذاشته‌اید و رژیم طاغوتی و فاسد پهلوی را به یاد دارید، می‌دانید تنها چیزی که مطرح نبود، خدمت به مردم بود. هر کسی وقتی مسؤولیتی پیدا می‌کرد، به فکر خود بود. انقلاب اسلامی آمد و آن بنای کج و معوج را دگرگون کرد. رئیس‌جمهور از خود مردم، نماینده‌ی مجلس از خود مردم، مسؤولان بخشهای مختلف در کنار مردم و از آحاد مردم، امروز هم که بحمدالله خدا به مسؤولان توفیق داد تا شوراها را با این سطح وسیع به وجود آوردند، شوراها هم در خدمت مردم. امروز شما چنین نعمتی را در اختیار دارید. قصدتان را برای خدا خالص کنید. عزیزان من! هیچ عبادتی بالاتر از خدمت به مردم نیست؛ چه در شهر، چه در بخش و چه در روستا. وظایفی که برای شوراها در قانون ذکر شده، همان وظایفی است که اگر شوراها را ما ان‌شاءالله بتوانند این وظایف را به طور کامل به انجام برسانند، بسیاری از مشکلات جاری مردم برطرف خواهد شد و این موارد را قانون‌گذاران با دقت در قانون اساسی و در قانون عرفی معین کرده‌اند.

این کار، کار بزرگی است و از افتخارات نظام اسلامی است. اسلام این‌گونه است. اسلام در ضمن این که احکام الهی و اراده‌ی الهی را در هدایت و صلاح انسانها دارای کمال تأثیر می‌داند، اراده‌ی انسان، حضور انسان و حضور آحاد مردم را هم در همه‌ی کارها پیش‌بینی کرده است. يك نمونه‌ی آن همین مسأله‌ی شورا است. خدای متعال در علائم مؤمنین می‌فرماید: «و امرهم شوری بینهم» (40)؛ کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند. البته مشورت، با شکل‌های مختلفی ممکن است انجام گیرد؛ این هم يك شکل از اشکال مشورت است. در داخل شهر و در داخل بخش، می‌نشینید و با هم مشورت می‌کنید؛ نقصهای موجود و مشکلات موجود و آن چیزهایی را که مربوط به شوراهاست - البته ممکن است نقصهایی هم باشد که به وظایف شوراها مربوط نشود - رسیدگی و به آنها عمل می‌کنید؛ مثل این است که سرتاسر پیکر ایران اسلامی بزرگ، با نبض خون تازه‌ی انقلابی و اسلامی می‌زند و حرکت می‌کند. مسؤولان و شوراها هر شهر و روستا، برای رفع مشکلات مردم، در همان شهر و روستا فکر می‌کنند. این خیلی فرصت خوبی است. پس با نام و یاد خدا، برای خدمت به خلق خدا نیت کنید.

البته دشمنان اسلام هیچ وقت به این که نظام جمهوری اسلامی يك نظام متکی به مردم است، اعتراف نکرده‌اند. می‌بینند، می‌فهمند، اما اعتراف نمی‌کنند. همان‌گونه که دشمنان حقیقت همواره حقیقت را می‌شناختند، امروز هم



می‌شناسند؛ اما حاضر نیستند به آن حقیقت اعتراف کنند! ولی حقیقت، حقیقت است؛ چه دشمن اعتراف کند، چه اعتراف نکند. بیست سال از عمر نظام جمهوری اسلامی می‌گذرد، بیست انتخابات - به‌طور متوسط، هر سال یک انتخابات - در این کشور برگزار شده است؛ یعنی مردم در میدان عمل و در میدان تصمیم‌گیری، حضور داشته‌اند. در عین حال، در همه‌جا بوقهای استکباری، کشور ما و نظام ما را به دیکتاتوری، به استبداد و به غیر مردمی بودن متهم می‌کنند! حاضر نیستند اعتراف کنند و حقیقت را بپذیرند؛ چون دشمنند. دشمن به هیچ نقطه‌ی حسنی از شما اعتراف نخواهد کرد. شما به حرف دشمن کاری نداشته باشید. شما برای حقیقت، برای رضای خدا، برای وظیفه و برای اصلاح سرنوشت این ملت بزرگ، آنچه را که وظیفه دارید، انجام دهید.

بوقهای استکباری، از روز اول با این انقلاب بد بودند و علیه این انقلاب تبلیغات کردند. علت هم این است که این انقلاب، دستهای دشمنان را از این مملکت کوتاه کرد. آمریکا و دیگر جهانخواران و قلدرها و زورگوها، در داخل این کشور و دور این سفره‌ی بی‌صاحب نشسته بودند و در حالی که مردم در کمال فقر زندگی می‌کردند، آنها ثروتهای این ملت را می‌بردند. نفت این ملت می‌رفت، منابع این ملت می‌رفت، استعدادهاى این ملت می‌رفت، نیروهای انسانی خوب هم گلچین می‌شد و می‌رفت؛ در مقابل، از آن طرف فساد و فحشا و وابستگی به بیگانه می‌آمد! این دستها قطع شد و آنها عصبانیند. هدف دشمن این است که بتواند یک بار دیگر همان سلطه‌ی طاغوتی را بر این مملکت اعمال کند؛ اما غافل است. این مردم بیدارند، این مردم با اسلام آشنا هستند، این مردم در صحنه حاضرند و این مردم پای دشمنی را که به سمت این کشور بیاید قطع می‌کنند و اجازه نمی‌دهند. دشمن از این مردم عصبانی است، از این نظام عصبانی است، از این مسؤولان عصبانی است. لذاست که هرچه حُسن در این مملکت هست، آنها انکار می‌کنند. چیزهایی را هم نسبت می‌دهند که خلاف واقع و دروغ است.

هر کسی و در هر سطحی که در این کشور باری بر دوش دارد، وظیفه‌اش این است که آن بار را - بار خدمت به مردم را - بردارد. من بارها عرض کرده‌ام، کسانی که مسؤولیتهایی بر دوش دارند - مسؤولیتهای اجرایی و شبیه اجرایی - اگر همه‌ی وقت خودشان را صرف این مسؤولیت کنند، شاید ان‌شاءالله بتوانند آن وظیفه را به نحو احسن انجام دهند؛ اما چنانچه مقداری از آن وقتی را که برای این کار است به کارهای دیگر مصروف کردند، کارها زمین خواهد ماند. من توصیه می‌کنم - همچنان که در آن پیام هم به شما عزیزان عرض کردم - وقت را مصروف خدمت کنید، مصروف کار کنید، قصد را خدایی کنید و آنچه را که وظیفه‌ی شماست - و با انتخاب مردم این وظیفه بر دوش شما آمد - ان‌شاءالله با اخلاص و به بهترین وجهی انجام دهید. خدا هم به شما کمک خواهد کرد و ان‌شاءالله خواهید توانست آنچه را که مایه‌ی روسفیدی و سرافرازی شما پیش خدا و پیش بندگان خداست، به انجام برسانید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(40) شوری: 38